

علم زبان؛ سال ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵

نقدی بر موادی برای مطالعه گویش بختیاری

الهه حسینی ماتک*

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴)

چکیده

موادی برای بررسی گویش بختیاری ترجمه جلد سوم از پژوهش ژوکوفسکی است با عنوان *موادی برای بررسی گویش‌های ایرانی*. ژوکوفسکی از سال ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ م. در ایران اقامت داشته و نمونه‌هایی از گویش‌های ایرانی از جمله بختیاری را در این مجموعه گرد آورده است. در این کتاب، ۴۲ شعر به گویش بختیاری واج‌نویسی و ترجمه شده است. این جلد از کار ژوکوفسکی، اساس کار مریم شفقی و سیدمهدی دادرس قرار گرفته و آنان خود را در بخشی از کتاب مؤلف نامیده‌اند. یکی از این دو محقق، خود گویشور بختیاری است و بر اساس اطلاعات خود از گویش بختیاری امروز، واج‌نویسی و تکیه‌گذاری اشعار بختیاری را تصحیح کرده و اشعار را بدون توجه به ترجمه ژوکوفسکی به فارسی برگردانده است. در این مقاله، شیوه کار شفقی و دادرس در واج‌نویسی، تکیه‌گذاری و ترجمه این اشعار بررسی و نقد شده است. مطالعه گویش بختیاری در ۱۳۱ سال پیش و مقایسه آن با بختیاری امروز، بررسی در زمانی محسوب می‌شود و نمی‌توان واج‌نویسی و تکیه‌گذاری اشعار را بر اساس اطلاعات امروزی تغییر داد. ناآشنایی محققان با مسائل زبان‌شناختی و تحولات زبان موجب شده است که این کتاب «موادی برای بررسی گویش بختیاری» فراهم نکند.

کلیدواژه‌ها: بختیاری، تحولات زبان، تکیه، واج‌نویسی.

* E-mail: elahe.matak@hotmail.com

۱. مقدمه

موادی برای مطالعه گویش بختیاری کتابی است به کوشش مریم شفقی و سیدمهدی دادرسی که انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی به تازگی منتشر کرده است. این کتاب جلد سوم از پژوهش ژوکوفسکی^۱، محقق و ایرانشناس روسی، و در اصل رساله دکتری اش، با عنوان [Materialy Dlja Izučeniija Persidskih Narečij = مواد برای بررسی گویش‌های ایرانی] است که چهار سال پس از مرگ او، در ۱۹۲۲ چاپ گردید. او از سال ۱۸۸۳ تا سال ۱۸۸۶ در ایران اقامت داشته و نمونه‌هایی از گویش‌های ایرانی را در این کتاب گردآورده است (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۱). ژوکوفسکی در این جلد، ۴۲ شعر کوتاه و بلند به گویش بختیاری را واج‌نویسی و ترجمه کرده و واژه‌نامه‌ای برای آن تهیه کرده است. اساس کار مترجمان این کتاب، همین جلد از پژوهش ژوکوفسکی است. شفقی و دادرسی اشعار بختیاری را به فارسی ترجمه کرده‌اند و در شیوه واج‌نویسی یا به تعبیر آنان «آوانگاری» ژوکوفسکی «تصحیحاتی» انجام داده‌اند.

مترجمان در چهل و سه صفحه آغازین، درباره ژوکوفسکی و تحقیقات او در حوزه زبان‌های ایرانی سخن گفته‌اند، لزوم تصحیح اشعار گردآورده او را یادآور شده‌اند، روش خود را در تصحیح توضیح داده‌اند و درباره ارزش زبانی و ادبی این اشعار و ویژگی هر یک بحث کرده‌اند. از صفحه ۴۴ تا ۱۷۹ واج‌نویسی و ترجمه اشعار، از صفحه ۱۷۹ تا ۲۱۳ «توضیحات ابیات» را که شامل معنی برخی واژه‌هاست، سپس متن بختیاری اشعار را به خط فارسی و پس از ذکر منابع، فهرست نام طوایف بختیاری و غیر بختیاری، نام اقوام، شهرها، آبادی‌ها، بقاع متبرکه و غیره آمده است.

همان‌گونه که گفته شد و مترجمین نیز در پیشگفتار اشاره کرده‌اند، این اثر ترجمه کار ژوکوفسکی است که مترجمان در آن تغییرات یا به تعبیر خود تصحیحاتی

^۱ V. A. Zhukovskii

انجام داده، اشعار بختیاری را به فارسی ترجمه کرده و بخش‌هایی مانند «متن بختیاری اشعار به خط فارسی» و فهرست نام‌های خاص را بدان افزوده‌اند. با این حال، بر روی جلد، تنها عنوان کتاب و نام «مریم شفقی» و «سیدمهدی دادرسی» نوشته شده است، بدون آنکه مشخص باشد این دو محقق چه نقشی در تدوین این کتاب داشته‌اند و هیچ نشانی از نام ژوکوفسکی هم دیده نمی‌شود. بر عطف کتاب، قبل از نام دو محقق، واژه «تألیف» نوشته شده و نامی از ژوکوفسکی نیست. در صفحه عنوان کتاب و نیز شناسنامه کتاب، قبل از نام محققان، عبارت «ترجمه و اضافات» آمده است و باز هم نامی از مؤلف اصلی کتاب نوشته نشده است. بدین ترتیب، از اطلاعات کتاب معلوم نمی‌شود که «مریم شفقی» و «سیدمهدی دادرسی» مؤلف‌اند یا مترجم. این اثر چه ترجمه مستقیم کتاب ژوکوفسکی باشد و چه نباشد، باید بر جلد و عطف کتاب نام ژوکوفسکی نوشته شود تا مبدا حقی ضایع گردد؛ به‌ویژه آنکه، ناشر این کتاب دانشگاه علامه طباطبائی، مهد علوم انسانی کشور است. اگر چه مترجمان، چنان‌که خود اشاره کرده‌اند (ص ۱۶)، اشعار بختیاری را از متن اصلی و نه از ترجمه روسی ژوکوفسکی، به فارسی برگردانده‌اند و در بخشی از کتاب، این اشعار را به خط فارسی نوشته‌اند، اما هیچ‌یک از حقوق ژوکوفسکی نمی‌کاهد و سبب نمی‌شود تا آنان در بخشی از کتاب (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۱۴)، خود را مؤلف بنامند و از نام و عنوان ژوکوفسکی تنها به عکسی بر پس زمینه جلد بسنده کنند.

به روایت مترجمان (ص ۲)، کتاب ژوکوفسکی مقدمه‌ای ندارد و نمی‌توان اطلاعاتی درباره کار ژوکوفسکی به دست آورد، جز سال گردآوری و اینکه نام راوی اشعار «ملانصرالله بختیاری» و محل گردآوری آن اصفهان است. بنابراین، آنچه محققان از صفحه نخست تا ۴۳، تحت عنوان «موادی برای مطالعه گویش‌های بختیاری» نوشته‌اند، از ژوکوفسکی نیست و باید به طریقی مشخص می‌شد که این صفحات، مقدمه مترجمان است نه ژوکوفسکی.

گذشته از این، مترجمان در صفحه نخست پیشگفتار متذکر شده‌اند که ترجمه آنان «صورت ویراسته و بازنگری شده و گسترش یافته طرخی پژوهشی است» و مزده داده‌اند که «در آینده نزدیک» جلد دوم کتاب که واژه‌نامه متن بختیاری است، «آماده انتشار خواهد شد» و احتمالاً منظور آن است که منتشر می‌شود. شفقی و دادرس در همان صفحه نوشته‌اند:

«تصحیح و ترجمه ما از ابیات بختیاری گردآورده ژوکوفسکی، با آنچه باید باشد، فاصله بسیار دارد و به هیچ‌روی حرف آخر ما نیست. اعتراف می‌کنیم که بازسازی متن آرمانی مدنظرمان منوط است به بررسی ده‌ها مقاله و رساله دیگر».

در صفحه دوم پیشگفتار نوشته‌اند:

«در اینجا این اطمینان را به خوانندگان می‌دهیم که متن ما به صورتی که هست، بسیار قابل اعتمادتر و کم‌ابهام‌تر از کار ژوکوفسکی است».

درباره کار مترجمان و تغییرات یا تصحیحاتی که در اثر ژوکوفسکی اعمال کرده‌اند، نکاتی از منظر زبان‌شناختی مطرح است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود تا معلوم گردد این ادعای مترجمان تا چه اندازه معتبر است.

اگرچه به گفته مترجمان، در صفحات آغازین این بخش از تحقیق ژوکوفسکی، سال گردآوری این اشعار نوشته شده است (ص ۲)، اما مترجمان هیچ اشاره‌ای به این سال نکرده‌اند. ژوکوفسکی این کتاب را در سال‌های اقامت در ایران، از ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ نوشته است و از پایان کار او تا امروز ۱۳۱ سال می‌گذرد. بدین ترتیب، آنچه ژوکوفسکی در این کتاب از گویش بختیاری ثبت کرده است، تقریباً مربوط به ۱۳۱ سال پیش است که مستقیماً از «ملانصرالله بختیاری» شنیده است. حال، این پرسش

مطرح می‌شود که آیا گویش بختیاری در ۱۳۱ سال پیش با گویش بختیاری امروز هیچ تفاوتی نداشته است؟ شفقی و دادرس (ص ۱۷) این جملات را از تفضلی (۱۳۷۴: ۴۵) نقل کرده‌اند:

«زبان این اشعار که حدود صد سال پیش گردآوری شده، با زبان رایج کنونی بختیاری‌ها تفاوت چشمگیری دارد ... از صد سال پیش تاکنون، لهجه بختیاری همانند همه لهجه‌های دیگر ایرانی، دستخوش تحول شده و تحت تأثیر زبان رسمی (فارسی) قرار گرفته است.»

این نقل قول از تفضلی درباره بخشی از اشعار بختیاری است که لریمر^۱ (1922) سال‌ها بعد از ژوکوفسکی گردآورد و به طریق اولی، درباره اشعار گردآورده ژوکوفسکی نیز که مدت‌ها پیش از آن چاپ شده بود، صادق است، اما مترجمان (ص ۱۷ - ۱۸) بر خلاف نظر تفضلی معتقدند:

«بختیاری ضبط شده در کارهای لریمر و ژوکوفسکی، تفاوت چشمگیری با بختیاری رایج در عشایر بختیاری امروز ندارد و بسیاری از موارد ناهمخوانی میان ضبط غربی‌ها و بختیاری امروز، نتیجه ضبط و آوانگاری نادرست غربی‌ها و عمدتاً ناشی از فقدان شمّ زبانی است.»

شفقی و دادرس نوشته‌اند (ص ۴):

«در کار ژوکوفسکی، چه در آوانگاری و چه در ترجمه، ضعف‌هایی دیده می‌شود که تصحیح آن انگیزه اصلی ما در نگارش این مطالب بوده است. تصحیح این اشتباهات فنی، به ویژه از این نظر اهمیت دارد که شناخت زبان‌شناسان غربی از بختیاری، تا اندازه‌ای متکی بر داده‌های ژوکوفسکی است. از طرف دیگر، کار ژوکوفسکی قدیمی‌ترین مجموعه

¹ D.L.R. Lorimer

مفصل از نمونه‌های بختیاری است و کوشش در جهت خوانش درست آن می‌تواند به شناخت تحولات این گویش در یک قرن و ربع گذشته یاری رساند».

مترجمان این اثر، چگونه به «ضعف» و «اشتباهات فنی» کار ژوکوفسکی پی برده‌اند و به «تصحیح» آن همت گمارده‌اند؟ در مقدمه‌ای که محققان بر این کتاب نوشته‌اند، اشاره شده که یکی از آنان گویشور بختیاری است (ص ۱۹) و شاید از این طریق به «ضعف» و «اشتباهات فنی» ژوکوفسکی پی برده باشند. تحقیق در کار ژوکوفسکی و مقایسه آن با بختیاری امروز، مقایسه زبان در دو نقطه تاریخی است و بنابراین، بررسی تاریخی^۱ یا درزمانی^۲ محسوب می‌شود. اینکه محققان به سبب اینکه گویشور زبانی است، حکم دهد که آن زبان از ۱۳۱ سال پیش تاکنون تحول چشمگیری نداشته و آوانگاری آن زبان را بهتر از محققانی می‌داند که در همان دوره، زبان را از گویشوران شنیده و ثبت و ضبط کرده‌اند، ادعای گزافی به نظر می‌رسد. ضمن آنکه گویشور زبان باید ویژگی‌هایی داشته باشد (سامارین، ۱۳۸۷: ۴۷ - ۶۳) تا بتوان به اطلاعات او از آن زبان تکیه کرد. البته، این بدان معنا نیست که آوانگاری محققان غربی کاملاً درست است و هیچ خطایی در آن نیست، بلکه به بحث بر سر این است که به حکم گویشور زبانی بودن، نمی‌توان در آوانویسی یا واج‌نویسی آنان تردید کرد. برای تصحیح واج‌نگاری زبانی در ۱۳۱ سال پیش، باید از داده‌های تاریخی زبان و نیز داده‌های گویش‌ها یا زبان‌های خویشاوند و قواعد تحول واج‌ها در آن خانواده زبانی بهره گرفت. علاوه بر این، باید به گونه‌های مختلف لری و بختیاری هم توجه داشت. شفقی و دادرس نیز به «تفاوت لهجه‌های بختیاری» اشاره کرده‌اند (ص ۱۸). آنچه بختیاری نامیده می‌شود، در ناحیه‌ای از غرب اصفهان تا دزفول و شوشتر در خوزستان رواج دارد (لکوک، ۱۳۸۳: ۵۶۳) و در آن زمان، یعنی ۱۳۱ پیش، اقوام

^۱ Historical

^۲ Diachronic

بختیاری در این حوزه جغرافیایی در رفت و آمد بوده‌اند (ارانسکی، ۱۳۷۹: ۳۱۲). بنابراین، با در نظر گرفتن زمانی که از کار ژوکوفسکی گذشته است و نیز تنوع گونه‌های بختیاری، نمی‌توان داده‌های ژوکوفسکی را بر اساس بختیاری امروز تغییر داد. مترجمان در صفحات ۵ تا ۸، ایرادهایی را به «آوانگاری» ژوکوفسکی وارد دانسته‌اند و داده‌های ژوکوفسکی را با بختیاری امروز مقایسه کرده‌اند:

«به نظر می‌رسد در برخی واژه‌ها، نشانه \bar{u} از واژه u نمایندگی می‌کند؛ برای مثال در این واژه‌ها: $d\bar{u}$ «دو» و $\bar{i}x\bar{u}m$ «می‌خواهم» ... در بختیاری امروز این واژه‌ها به این شکل تلفظ می‌شوند: do و $\bar{i}xom$ «exom» (ص ۶).

«ظاهراً در چند واژه بخصوص، i در پایان واژه به جای \bar{e} و \bar{i} به کار رفته است» (ص ۶). نمونه آن $\check{c}\bar{i}$ «چون، مانند»، ki «چه کسی» $\check{c}e/\check{c}\bar{i}$ «چه چیزی» که در بختیاری امروز چنین تلفظ می‌شوند: $\bar{c}\bar{i}$ ، $k\bar{e}/k\bar{i}$ و $\check{c}e/\check{c}\bar{e}$ » (ص ۶).

«ژوکوفسکی در برخی واژه‌ها از نشانه \bar{i} برای نشان دادن واجهای i و e استفاده کرده است (ص ۷): $g\bar{i}\bar{r}$ - «گیر، ماده مضارع گرفتن»، $t\bar{o}\bar{i}\bar{i}$ «عمو» و ...» (ص ۶).

«در برخی واژه‌ها حرف k اشتبهاً برای نشان دادن g بختیاری به کار رفته است: $buku\check{s}$ «بگشا» و ...» (ص ۷).

نمونه‌هایی مانند این مطالب در صفحات ۵ تا ۸ فراوان است و این پرسش را مطرح می‌کند که مترجمان چگونه متوجه نادرستی کار ژوکوفسکی شده‌اند و چنان که گفته‌اند (ص ۱۰)، آن را تصحیح کرده‌اند؟

روش آنان در باب تکیه‌گذاری نیز چنین است. نوشته‌اند:

«... ژوکوفسکی در ضبط بختیاری و احتمالاً دیگر زبان‌ها و گویش‌ها، بسیار دقیق عمل کرده است. دقت ضبط ژوکوفسکی تا آن پایه است که می‌توان آن را با دقت دستگاه ضبط صوت مقایسه کرد» (ص ۴).

سپس نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که در این موارد، ژوکوفسکی دچار لغزش در تکیه‌گذاری شده است:

«برای نمونه، وی در افعال مضارع ساده گاه تکیه را بر هجای پایانی قرار داده، مانند ku'num و گاه تکیه را بر هجای نخست نهاده است، مانند mīrum' «بمیرم»» (ص ۵).

مترجمان چگونه نادرستی تکیه‌گذاری ژوکوفسکی را دریافته‌اند؟ افزون بر این، دقت ژوکوفسکی در تکیه‌گذاری کلمات چه ربطی به دستگاه ضبط صوت دارد؟!

همان‌گونه که یادآوری کرده‌اند (ص ۴)، هیچ محققی تاکنون به تکیه‌گذاری واژه‌های بختیاری توجه نکرده است، پس محققان بر چه اساسی جایگاه تکیه را تشخیص داده‌اند؟ جایگاه تکیه در بختیاری چگونه است؟ آیا برای تشخیص تکیه به قوه شنیداری یکی از مترجمان که گویشور بختیاری است، اعتماد کرده‌اند و آن را به زبان ۱۳۱ سال پیش تسری داده‌اند؟ آیا در این ۱۳۱ سال، جایگاه تکیه هیچ تغییری نکرده است؟ آیا در گونه‌های مختلف بختیاری جایگاه تکیه یکسان است؟ در ادامه مطلب، نکات دیگری درباره مسائل زبانشناختی این کتاب بیان می‌شود.

۱. آوانویسی و واج‌نویسی

مترجمان در صفحات ۵ تا ۸ در بخش ۳ - ۱ تحت عنوان «آوانگاری»، ایرادهایی را به کار ژوکوفسکی وارد دانسته‌اند و گفته‌اند این ایرادها «مربوط به تسامحی است

که وی در واج‌نویسی به خرج داده است». ظاهراً مترجمان بین آوانگاری یا آوانویسی^۱ و واج‌نگاری یا واج‌نویسی^۲ فرقی ننهاده‌اند.

نوشته‌اند که ژوکوفسکی از حرف d برای نشان دادن واج d و واج‌گونه δ استفاده کرده است (ص ۵). چگونه و بر اساس کدام شواهد تاریخی مترجمان دانسته‌اند در بختیاری ۱۳۱ سال پیش δ واج‌گونه d بوده و ژوکوفسکی d را برای دلالت بر δ هم به کار برده است؟ آیا او خود بدین نکته اشاره کرده است؟ مترجمان نوشته‌اند که این بخش از تحقیق ژوکوفسکی فاقد مقدمه است (ص ۲)؛ پس از کجا به این نتیجه رسیده‌اند؟ اگر این سخن مترجمان را که ژوکوفسکی d را برای دلالت بر واج‌گونه δ به کار برده است، درست بدانیم، پس مشخص است که او واج‌نویسی اشعار را ارائه کرده است نه آوانویسی آنها را. ضمن آنکه واج‌گونه را نباید در // قرار داد. بدین، ترتیب به نظر می‌رسد محققان از تفاوت واج و آوا و نیز آوانویسی و واج‌نویسی آگاهی چندانی ندارند.

در صفحات ۱۰ تا ۱۵، محققان از روش به کار رفته در این کتاب، با عنوان «روش ما» یاد کرده‌اند. نوشته‌اند:

«تا جای ممکن کوشیده‌ایم به متن اساس - یعنی آوانگاری ژوکوفسکی - وفادار بمانیم مگر در مواردی که پیش‌تر به عنوان ضعف کار ژوکوفسکی برشمردیم. در مواردی، ضبط ژوکوفسکی آشکارا با تلفظ لهجه‌های گوناگون بختیاری امروز در تضاد بود که در برخورد با آن به دو شیوه عمل کرده‌ایم: نخست، اگر هیچ قرینه ریشه‌شناختی و تاریخی‌ای ضبط ژوکوفسکی را به عنوان یک لهجه احتمالی تأیید نمی‌کرد، تلفظ امروزی واژه را آوردیم. البته تلفظی را که با متن

^۱ phonetic transcription

^۲ phonemic transcription

مناسب‌تر است؛ دوم، در مواردی که با توجه به قراین تاریخی و گویشی، احتمال پذیرش ضبط ژوکوفسکی به عنوان یک تلفظ احتمالی وجود داشت، ضبط وی را در متن آورده‌ایم و تلفظ امروزی را در واژه‌نامه (جلد دوم کتاب) متذکر شده‌ایم.

این «قرینه‌های ریشه‌شناختی و تاریخی» باید در هر مورد نوشته شود و دلایل انتخاب یک صورت بر آنچه ژوکوفسکی آورده است، تحلیل گردد.

مترجمان به جای حروف سیریلی که ژوکوفسکی به کار برده است، از حروف لاتین استفاده کرده‌اند (ص ۱۰)، اما مشخص نکرده‌اند که در «آوانگاری» خود، از کدام شیوه مرسوم آوانویسی یا واج‌نویسی استفاده کرده‌اند. امروزه روش رایج برای ثبت آواها یا واج‌های زبان استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی است، نه آنکه محقق خود روشی تازه‌ای ابداع کند. افزون بر آن، آوانویسی بختیاری با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی، نیازمند استفاده از نرم‌افزارهای مخصوص است و نمی‌توان به قوه شنیداری و شمّ زبانی تکیه کرد. آوانویسی گونه بختیاری در ۱۳۰ سال پیش نیز با الفبای آوانگار بین‌المللی، امکان‌پذیر نیست. زیرا صورت زنده زبان نیست که بتوان آواهای آن را ثبت کرد. در این قسمت، برخی از نکات کتاب نقل و بررسی می‌شود:

«به جای مصوت‌های مرکب ei/ai، eu/au و ou در متن ژوکوفسکی، ما از ey/ay، aw و ow استفاده کرده‌ایم که امروزه پذیرفته‌تر است» (ص ۱۱).

این نشانه‌ها در کجا و بر مبنای کدام روش پذیرفته‌ترند؟

«در متن ما نشانه \bar{a} نماینده واکه /a/ است؛ اما ممکن است به صورت \bar{a} (/ɔ/) نیز تلفظ شود. نشانه \hat{a} نیز از واکه /ʌ/ نمایندگی می‌کند» (ص ۱۰).

نشانه‌های \bar{a} ، \hat{a} و \hat{a} در الفبای آوانگار آمریکایی و نویسه‌های α ، λ و σ در الفبای آوانگار بین‌الملل به کار رفته‌اند. \bar{a} دلالت بر [a:] دارد و \hat{a} معادل [a] در زبان فارسی امروز است.

«ژوکوفسکی در آوانگاری بختیاری، از واج‌های β (سخت)، γ و ... استفاده کرده است که به نظر ما، بیش از آنکه معنای واقعی داشته باشند، ناشی از سلیقه و درک ویژه ژوکوفسکی هستند. ما این واج‌ها را به معادل امروزشان تغییر داده‌ایم» (ص ۱۰).

مترجمان چگونه به درک ویژه ژوکوفسکی نائل آمده‌اند و بر چه مبنایی آنها را تغییر داده‌اند؟! به نظر می‌رسد «واج» را به جای «نویسه» به کار برده‌اند، زیرا واج در ذهن گویشوران بختیاری در آن دوره بوده است؛ نه ژوکوفسکی می‌تواند از واج خاصی استفاده کند و نه کسی می‌تواند واج را تغییر دهد آن هم به معادل امروزی‌اش، که در این صورت ارزش کار ژوکوفسکی، یعنی ثبت و ضبط گویش بختیاری در ۱۳۱ سال پیش از میان رفته است.

«به تبعیت از ژوکوفسکی، از آوردن واج /^۱/ در آغاز واژه خودداری کرده‌ایم» (ص ۱۰).

اگر نشانه^۲ بر واج دلالت دارد، نمی‌توان از نوشتن آن در واج‌نویسی خودداری کرد. باید روشن شود آیا این واج در شمار واج‌های بختیاری است و آیا در آغاز واژه پیش از واژه قرار داشته یا خیر.

۲. ضرورت معرفی واج‌های بختیاری

مترجمان که بسیار دغدغه صحت آوانگاری یا واج‌نگاری را دارند، باید ابتدا واج‌های بختیاری را، حتی به اختصار، معرفی کنند. در منابع کتاب (۳۰۶)، نام کتاب

لریمر (۱۹۲۲) که مشتمل بر مطالبی درباره واج‌شناسی بختیاری است، آمده است؛ مترجمان می‌توانستند از داده‌های این کتاب در معرفی واج‌های بختیاری در آن دوره، استفاده کنند. در این بخش نمونه‌هایی از کتاب ذکر می‌شود که ضرورت تعیین واج‌های بختیاری را بیشتر نشان می‌دهد.

«وی [ژوکوفسکی] از برخی حروف برای نشان دادن دو واج مختلف استفاده کرده است. این حروف عبارتند از: /k/, /g/, /v/, /d/ و /t/ که در کار ژوکوفسکی، علاوه بر واج‌های /k/, /g/, /v/ و /d/، به ترتیب نمایانگر واج‌های /q/, /γ/، /w/ و /ē/ و واج‌گونه /δ/ نیز هستند» (ص ۵).

ابتدا باید مشخص شود واج‌ها و واج‌گونه‌های بختیاری چیست تا مشخص شود ژوکوفسکی از چه نشانه‌هایی برای دلالت بر آنها استفاده کرده است. آیا در بختیاری هم q و v واج است هم γ و w؟

«خود ژوکوفسکی در مقدمه کتاب توضیح داده که K نماینده ک و Γ نماینده گ و غ است. البته این پرسش مطرح است که شاید در زمان ژوکوفسکی، واج‌های ق و و غ وارد بختیاری نشده بوده...» (ص ۵).

چند نکته درباره این جملات مطرح است: اولاً آنچه مترجمان «پرسش» نامیده‌اند، بیان تردید است نه پرسش؛ ثانیاً مترجمان پیشتر نوشته‌اند که بخش بختیاری کتاب ژوکوفسکی فاقد مقدمه است (ص ۲) و آن را از نقاط ضعف این اثر دانسته‌اند. پس ژوکوفسکی در کدام مقدمه این توضیحات را ارائه کرده است؟! ثالثاً مترجمان از نویسه‌های فارسی ک، ق، گ و غ برای نشان دادن واج استفاده کرده‌اند و افزون بر آن، هر یک را واج دانسته‌اند. برای نشان دادن واج‌هایی که با این نویسه‌ها نشان داده می‌شود، باید از الفبای آوانگار بین‌المللی استفاده کنند. گذشته از آن، اگر زبان فارسی مورد نظر است، که نویسه‌های ق و غ بر واج دلالت ندارند، بلکه هر دو نویسه بر یک

واج دلالت دارند که با G نشان داده می‌شود؛ رابعاً مترجمان از یک سو معتقدند «بختیاری ضبط شده در کارهای لریمر و ژوکوفسکی تفاوت چشمگیری با بختیاری رایج در عشایر امروز بختیاری ندارد» (ص ۱۷) و از سوی دیگر معتقدند «در زمان ژوکوفسکی، واج‌های ق و غ وارد بختیاری نشده بود». آیا در طول ۱۳۱ سال، تحولات بختیاری به گونه‌ای بوده که به فهرست واج‌های آن واجی تازه افزوده شود؟ اگر چنین بوده تحولات بختیاری بسیار گسترده بوده است. اگر هم گونه بختیاری در ۱۳۱ سال پیش با بختیاری امروز تفاوت چشمگیری نداشته، پس مترجمان نتوانسته‌اند، واج‌های آن را به درستی تشخیص دهند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد مترجمان نه به مفهوم واج توجه داشته‌اند و نه به تحولات زبان.

«در چند واژه از جمله āu «آب» و xāu «خواب»، ژوکوفسکی از مصوت āu استفاده کرده که به نظر ما نشانگر تأثیرپذیری آوانگاری وی از صورت‌های تاریخی واژه است. در مقابل، لریمر واژه‌های مذکور را با مصوت au ضبط کرده است که با تلفظ امروزی آنها همخوانی بیشتری دارد. ما در این موارد به جای āu از aw استفاده کرده‌ایم» (ص ۷).

هیچ دلیلی ذکر نشده که چرا به جای āu و au از aw استفاده کرده‌اند و منظور از صورت‌های تاریخی واژه هم مشخص نیست. در سنت واج‌نویسی محققان در آن دوره، نشانه a بر فتحه یا َ دلالت دارد و ā بر َ یا فتحه کشیده که در الفبای آوانگار بین‌المللی با [a:] نشان داده می‌شود. شاید اختلاف واج‌نویسی لریمر و ژوکوفسکی ناشی از همین مسأله باشد؛ به عبارتی دیگر ژوکوفسکی a را کشیده ضبط کرده و لریمر کوتاه. افزون بر آن، واژه «آب» در اوستایی هم به صورت -āp و هم به صورت ap- به کار رفته است (Bartholomae, 1961: 325). در زبان اوستایی، فارسی باستان و فارسی میانه، تفاوت a با ā تفاوت کمی است نه کیفی (Hale, 2008a: 105; 2008b: 126).

۳. ترجمه‌ها

ملاک مترجمان، چنان که خود گفته‌اند (ص ۱۶)، اشعار بختیاری است نه ترجمه ژوکوفسکی. آنان ترتیب اجزاء و واژه‌های جمله را رعایت و حفظ کرده‌اند و معتقدند:

«نزدیکی بسیار میان نحو و واژگان بختیاری و فارسی، این امر را ممکن بلکه ضروری می‌سازد؛ چرا که ترتیب و همنشینی واژه‌های بیت، در انتقال بار عاطفی آن نقش بسزایی دارد» (ص ۱۶). به گفته مترجمان این روش سبب «آرکائیک شدن ترجمه» شده است و یادآوری کرده‌اند که «ترجمه ما برای کسانی قابل استفاده است که با متون قدیمی فارسی کمی آشنایی داشته باشند» (ص ۱۶).

اگر ملاک ترجمه اشعار بختیاری است، بهتر است به ترجمه ژوکوفسکی هم اشاره شود و شیوه ترجمه او یا احیاناً ترجمه نادرست او ذکر گردد. افزون بر این، باید توجه داشت که نام کتاب، «موادی برای مطالعه گویش بختیاری» است؛ بنابراین، نام کتاب هدف از تدوین آن را یادآوری می‌کند. این کتاب باید داده‌هایی در اختیار محققان قرار دهد تا بتوانند زبان یا گویش بختیاری را بررسی و تحلیل کنند. هدف از ترجمه این اشعار، آفریدن متن ادبی یا هنری نیست. بهتر آن است که مخاطبان کتاب به کسانی که با متون قدیم فارسی آشنایی دارند، محدود نشود. ترجمه باید چنان باشد که خواننده فارسی‌زبان و در این مورد خاص، محققان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی بتوانند از آن استفاده کنند.

گاه اصرار بر هم‌قافیه کردن دو مصرع از یک بیت، سبب نامفهوم شدن ترجمه شده است:

«تفنگچی «لاگلال» دلم [هست] به هولش || علی‌خان به شتاب رفت، [در حالی که] لاشه‌ها [ی] شکار، بود [به کولش (ص ۹۴)].»

از ترجمه مصرع نخست دو مفهوم بر می‌آید: نگرانِ تفنگچی لاگلال هستم یا از او می‌ترسم. افزودن عبارات در داخل قلاب هم از روانی ترجمه کاسته است. در فارسی وجود این عبارات لازم است و نیازی نیست در قلاب قرار گیرد.

مترجمان نوشته‌اند:

«کهن‌واژه‌های فارسی گویش بختیاری را اغلب در ترجمه حفظ و در توضیحات ابیات معنا کرده‌ایم» (ص ۱۶) و «برخی واژه‌های بختیاری را که ساختی کاملاً فارسی دارند، اما در فارسی به کار نمی‌روند به منظور برجسته‌سازی ظرفیت‌های واژه‌سازی این گویش، عیناً در ترجمه آورده و در توضیحات ابیات معنا کرده‌ایم» (ص ۱۷).

این کار موجب دشوار شدن معنی شعر شده است:

«باراله، به من دررسان سه تا پیا را || عبدالله و رحم‌خدا و راه‌خدا را (ص ۱۱۶)».

واژه «پیا» همان piyā بختیاری است که با خط فارسی نوشته شده است. «پیا» در لری بختیاری به معنی «مرد کامل» و مجازاً مرد «با ارج و ارزنده» یا «صاحب اعتبار» است (معین، ۱۳۷۵: ۸۵۷) و البته در بخش توضیحات شفقی و دادرس هم معنی آن نیامده است (ص ۱۹۹).

ساخت برخی جملات مطابق فارسی امروزی نیست و معنی آن مبهم است:

«ای حکیم، چقدر می‌دهی دارو به فنجان (ص ۱۲۸)».

یعنی چقدر دارو در فنجان می‌ریزی؟!

«خودم ملاً، یارم خیاط، دو کسب شاهی (ص ۱۳۱)».

یعنی دو کسب و کار شاهی؟!

اگر ترجمه برخی اشعار روانتر و مطابق با ساخت زبان فارسی امروزی باشد، نیازی نیست در توضیحات، ترجمه را دوباره ترجمه کرد: «ای کیشِ لاکی‌رنگ بر سر، خوش در رفتاری (ص ۱۵۵)». در بخش توضیحات «خوش در رفتاری» را «خوب راه می‌روی» معنی کرده‌اند (ص ۱۶۱).

۴. اشعار بختیاری با خط فارسی

مترجمان از صفحه ۲۱۴ تا ۳۰۱ متن اشعار را با خط فارسی آورده‌اند. این بخش از افزوده‌های مترجمان است و در کتاب ژوکوفسکی نیامده است. مترجمان هدف از افزودن این بخش را «پاسخ به نیاز مخاطبان عامی بختیاری‌زبان و خوانندگان غیرمتخصص دانسته‌اند که عموماً به مسائل آوانگاری و زبان‌شناختی ناآشنايند و با املاي فارسي انس بيشتري دارند» (ص ۲۱۴).

به نظر می‌رسد که افزودن چنین بخشی در کتابی که در جامعه علمی و با هدف گردآوری داده‌ها برای مطالعه گویش بختیاری تدارک دیده شده، صرف نظر از اینکه تا چه حد این هدف محقق شده است، مناسب نباشد. خط فارسی برای ثبت آواهای زبان فارسی یا هر زبان و گویش دیگری نامناسب است و به همین سبب از الفبای آوانگار بین‌المللی استفاده می‌شود (مدرسی‌قوامی، ۱۳۹۰: ۶ - ۷). بنابراین، نوشتن اشعار گویش بختیاری با خط فارسی نمی‌تواند خواننده عادی و غیرمتخصص را از چگونگی قرائت این اشعار آگاه سازد. علاوه بر این، مترجمان درباره ترجمه اشعار بختیاری نوشته‌اند: «ترجمه ما برای کسانی قابل استفاده است که با متون قدیمی فارسی کمی آشنایی داشته باشند» (ص ۱۶) و در این بخش «پاسخ به نیاز مخاطبان عامی بختیاری زبان و خوانندگان غیرمتخصص» را مد نظر داشته‌اند. هر کتابی مخاطبانی دارد، و مخاطبان این کتاب پژوهشگران حوزه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی‌اند، نه خوانندگان غیرمتخصص و عادی. نمی‌توان در یک کتاب هر دو گروه را

مخاطب قرار داد؛ زیرا نیازهای هر گروه با دیگری متفاوت است و هر کدام از منظری متفاوت به چنین اثری می‌نگرند.

حاصل سخن آنکه، علاوه بر آنکه تغییر داده‌های این کتاب بر اساس اطلاعات امروزی از گویش یا زبان بختیاری، چندان علمی به نظر نمی‌رسد، می‌توان گفت این کتاب چنانکه باید هم، «موادی برای مطالعه گویش بختیاری» فراهم نمی‌کند. علاوه بر مسائلی که در باب واج‌نویسی، علائم آن و تکیه‌گذاری مطرح شد، برخی اطلاعات لازم برای پژوهش‌های زبان‌شناختی نیز نادیده گرفته شده است مانند نشان دادن واژه‌بست‌ها. بهتر آن بود که در بخش‌هایی جداگانه، واج‌های بختیاری معرفی می‌شدند و درباره تکیه و جایگاه آن نیز بحث می‌شد.

منابع

- ارانسکی، ای. ام. (۱۳۷۹). *مقدمه اللغة ایرانی*. ترجمه کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: پیام.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۴). «معرفی کتاب شعر بختیاری». *نشر دانش*. ۶. ۴۴ - ۴۵.
- ژوکوفسکی، و. آ. (۱۳۹۶). *موادی برای مطالعه گویش بختیاری*. مریم شفق و سیدمهدی دادرس. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- لکوک، پیر. (۱۳۸۳). «گویش‌های جنوب غرب ایران». *راهنمای زبان‌های ایرانی*. ترجمه حسن رضایی باغبیدی و دیگران. جلد دوم. تهران: ققنوس. ۵۶۳ - ۵۹۷.
- سامارین، ویلیام. (۱۳۸۷). *زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها)*. ترجمه لطیف عطاری. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مدرسی‌قوامی، گلناز. (۱۳۹۰). *آواشناسی: بررسی علمی گفتار*. تهران: سمت.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.
- Bartholomae, C. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin: W. De Gruyter.
- Hale, M. (2008 a). "Avestan". *The Ancient Languages of Asia and the Americas*. Edited by R. D. Woodard. Cambridge: Cambridge University Press. 101-122.

- Hale, M. (2008 b). "Pahlavi". *The Ancient Languages of Asia and the Americas*. Edited by R. D. Woodard. Cambridge: Cambridge University Press. 123-135.
- Lorimer, D.L.R. (1922). *The phonology of the Bakhtiari, Badakhshani and Madaglashti Dialect of Modern Persian*. London: Royal Asiatic Society